

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۱۲ اپریل ۲۰۱۴

آداب جنازه

۵

نماز جنازه

جنازه کلمه عربی است که به کسر جیم به معنی مُرده و به فتح جیم به معنی تختی که مُرده را بر وی برمی دارند یا عکس آن باشد یا بالکسر تخت با مرده و هر که او را مشایعت کند .
نماز جنازه بالای هر مسلمانی که از میت (مرده) خبر باشد فرض کفایه است و اگر از جمله آنها چند نفری این نماز را ادا نماید ذمه فرض خلاص می شود و اگر هیچ کس به نماز حاضر نشد همه گناه گار می باشد.
مفهوم کلی که در نماز جنازه وجود دارد همانا دعا بر میت می باشد و از همین سبب قرائت، رکوع، سجده و غیره مثلی که در دیگر نماز ها است در نماز جنازه نیست.
سنت است که، هنگام خواندن نماز جنازه، امام برای مرد در قسمت سر و برای زن در وسط جنازه ایستاده شود.
همچنان سنت است که امام در پیش روی مقتدی ها ایستاده شود، ولی اگر محل جنازه ضیق باشد، مقتدیان می توانند در کنار امام هم ایستاده شوند .

وقت نماز جنازه:

در مراقی الفلاح صفحه (۳۲۴) می نویسد: آنطوری که برای پنج وقت نماز وقت معینی در شرع اسلامی تعیین گردیده است برای نماز جنازه وقت معینی مقرر نگردیده است .
در شامی می نویسد:

بعد از نماز صبح تا آفتاب بر آمدن و بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب نفل و سنت خواندن منع است ولی خواندن نماز جنازه در این وقت بل کراهیت درست است .

همچنان در شامی در صفحه ۳۴۱ و صفحه ۳۴۴ جلد اول عالمگیری، در مختار شامی در این مورد می افزاید:
در وقت طلوع الشمس زوال و در ظهر و در حین بر آمدن آفتاب مانند نماز های دیگر نماز جنازه هم جائز نیست وقت طلوع از طرف بالای آفتاب شروع شود تا که آفتاب مکمل طلوع ننماید یعنی تا وقتی چشم انسان در آن کار نکند و وقت غروب آفتاب آن که رنگش زرد شود از آن جا شروع شده یعنی نظر آن را دیده تواند تا که آفتاب پت نشده باشد .

خلاصه:

نماز جنازه علاوه از این هرسه وقت طلوع، زوال و غروب در دیگر وقتها بلا کراهیت جائز است و در آن هر سه وقت در صورتی جائز است که نماز جنازه خاص در همان وقت ها آمده باشد .

هدف نماز جنازه:

طوری که در فوق یاد آور شدیم : بر پا گردیدن نماز جنازه خاص الخاص به خاطر دعا برای میت می باشد ، در حدیثی از ابو هریره (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید :
« إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَى الْمَيِّتِ فَاخْلُصُوا لَهُ الدَّعَاءَ » (ابو داوود ، کتاب الجنائز ، باب الدعاء للمیت شماره : ۳۱۹۹) «زمانی که بر میت نماز خواندید (یعنی دعا کردید) خالصانه برایش دعا کنید .»
طوری که یاد آور شدیم، نماز جنازه رکوع ، سجده و تشهد ندارد و تنها، چهار تکبیر با تکبیر تحریم و چند ذکر و دعاست.

بدین ترتیب که نمازگزار با نیت و گفتن «الله اکبر» یعنی تکبیر تحریمه، نماز را شروع می کند.
بعد از تکبیر اول سوره فاتحه خوانده می شود.
بعد از تکبیر دوم درود بر پیامبر اسلام محمد مصطفی فرستاده می شود. « اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ... » تا اخیر ...
خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد.
و بعد از تکبیر سوم برای میت دعا خوانده می شود. برای میتی که طفل نابالغ باشد، برای پدر و مادر وی طلب رحمت و مغفرت می شود و بعد از تکبیر چهارم سلام داده می شود.

شروط فرض شدن جنازه:

برای فرض شدن نماز جنازه همان شرطهایی است که در دیگر نماز ها است یعنی قدرت بلوغ اسلام البته در نماز جنازه یک شرط اضافه می باشد آن که از مرده او خبر نباشد و معذور باشد پس نماز جنازه بر او فرض نیست .

قیام شروط نماز جنازه:

شروط نماز جنازه عبارت اند از :

- ۱- مسلمان بودن مُرده .
- ۲- پاک بودن مُرده که قبل از دادن غسل نماز جنازه مُرده صحت ندارد. (شهید البته از این حکم مثتنی است).
- ۳- پیش روی امام قرار داشتن مُرده . اگر مُرده پشت سر بود نماز جنازه آن درست نیست.
- ۴- حاضر بودن مُرده است .
- ۵- قرار داشتن مُرده بر زمین اگر مُرده بالای شانه های مردم و یا بالای چیز دیگر بار بود نماز آن درست نیست و اما شرط هایی که تعلق به نماز گزار دارد همان شرط های نماز است از قبیل نیت ، طهارت ستر عورت و غیره .

ترتیب نماز جنازه

طوری که در فوق یاد آور شدیم امام در برابر سینه مرده ایستاده می شود و صفوف را برابر می کنند

بهتر است صفها سه ، پنج و یا هفت باشد یعنی تاق باشد اگر از هفت صف هم تجاوز کرد ضرورت به جفت و یا تاق بودن صف ها نیست .

امام به جهر و مقتدی ها به خفیه تکبیر می گویند دستها را تا شانه ها و یا نرمی گوشها بلند می کنند و دست ها را طوری که در نماز بسته می کردند آن را بسته کنند و امام و مقتدی ها «سبحانک اللهم» را تا اخیر می خوانند بعداً امام به جهر و مقتدی ها به آهستگی تکبیر می گویند در حال یک دستها را بلند نمی کنند درود شریف را می خوانند ، بعد از آن امام به جهر و مقتدی ها به آهستگی تکبیر می گویند که برای مرد بالغ وزن بالغ این دعا را می خوانند :

« اللهم اغفر لحینا ومیتنا وشاهدنا وغائبنا وصغیرنا وکبیرنا وذرنا واثاننا اللهم من احيته منا فاحیه علی الاسلام ومن توفيته منا فتوفه علی الایمان »

« بار خدایا زنده و مرده مارا و حاضر و غائب مارا و کوچک مارا و مرد و زن مارا بیامرز بار خدایا هر که را زنده نموده ای از ما پس زنده نگهدار او را بر اسلام و هر که را از ما فوت ساخته ای پس او را بر ایمان فوت کن.»

و اگر مرده طفل صغیر باشد این دعا خوانده میشود :

« اللهم اجعله لنا فرطاً واجعله لنا اجرأ وذرنا واجعله لنا شافعاً ومشفعاً » (بار خدایا او را برای ما توشه آخرت بگردان توشه ای از پیش فرستاده شده و او را برای ما اجر و ذخیره گردان، او را برای ما شفیع و مقبول الشفاعة بگردان.)

و اگر مرده دختر صغیره باشد این دعا خوانده می شود :

« اللهم اجعلها لنا فرطاً واجعلها لنا اجرأ وذرنا واجعلها لنا شافعة ومشفعة » بعد از آن امام به جهر و مقتدیان به آهستگی تکبیر می گویند و مرده را چهار نفری توسط چارپائی بر می دارند و در راه در حالی که سرش طرف پیش باشد کمی تیز تر طرف قبر می برند لازم است مردم عقب جنازه بروند .
مرده را بدون ضرورت به حیوان بار کردن و یا او را دو نفر برداشتن مکروه است و طریقه برداشتن طفل شیر خوار یا کمی بزرگتر از آن به این طور بوده که يك نفر، آن را بر می دارد که سرش به طرف دست راست بردارنده باشد.

تجدید نماز جنازه:

در این اواخر رسم طوری شده زمانی که جنازه را از یک ولایت به ولایت دیگر و یا هم از خارج کشور به داخل کشور منتقل می نمایند، در حالی که نماز جنازه متوفی در محل اولی بر میت خوانده شده ، ولی مسلمانان یک بار دیگر به تجدید جنازه اقدام می نمایند .

در امداد الاحکام صفحه ۷۳۵ جلد اول خواندن دوباره و تجدید نماز جنازه را امر بدعت و مکروه تحریمی محسوب نموده اند . ولی اگر وارث میت در نماز جنازه اولی حضور نداشته باشد و یا هم بدون اجازه او نماز جنازه به جای آمده باشد، در این صورت خواندن نماز دوباره جنازه و تجدید آن ممانعت ندارد .

جنازه غایبانه

همانطوری که در فوق خدمت خوانندگان به عرض رسانیدیم ، برای ادای نماز جنازه حاضر بودن میت لازم است، ولی اگر احیاناً ، مرده بدون نماز جنازه دفن شده باشد، در این صورت تا سپری شدن وقت محدودی بر روی قبرش نیز می توان نماز جنازه را اداء نمود.

ولی باید گفت که به نزد علمای احناف خواندن نماز جنازه غائباً روا نمی باشد .

و فی عمدة القاری:

قد مات من الصحابة خلق كثير و هم غائبون عنه، و سمع بهم، فلم يصل عليهم، إلا غائباً واحداً و رد أنه طويت له الارض حتى حضره. (عمدة القاری، کتاب الجنائز، باب الرجل یعنی إلى أهل الميت بنفسه: ۲۲ / ۸)

لم یکن من هدیہ صلی اللہ علیہ وسلم الصلاة على كل ميت غائب، فقد مات خلق كثير من المسلمين وهم غیب، فلم یصل علیہم. (زادالمعاد فی ہدی خیرالعباد لابن القيم، فصل فی ہدیہ صلی اللہ علیہ وسلم فی الصلاة على الغائب .). و فی الدرالمختار: (و إن دفن) و أهل التراب (بغير صلاة أو بها بلا غسل أو ممن لا ولاية له (صلی علی قبره) إستحساناً (ما لم یغلب علی الظن نقسخه) من غیر تقدیر، هو الاصح. (الدرمع ردالمختار: ۲ / ۲۲۴).

نظریات علماء در مورد جنازه غایبانه:

علمای مذاهب اربعه در مورد جواز نماز جنازه بر غائب سه قول مختلف دارند:

قول اول:

امام شافعی و امام احمد بدین نظر است که : نماز جنازه بر غائب در شرع جایز بوده ، و آنها بر خواندن نماز جنازه توسط پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بر نجاشی استناد می نمایند .

چنان که مسلم در صحیح خود از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت کرده که گفت: عن ابی هریره: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَى النَّجَاشِيَّ فِي الْيَوْمِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ خَرَجَ إِلَى الْمُصَلَّى فَصَفَّ بِهِمْ وَكَبَّرَ أَرْبَعًا». مسلم (۹۵۱).

یعنی: رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم خبر مرگ نجاشی (پادشاه حبشه) را که در سرزمین حبشه فوت کرده بود، اعلام نمود و به مصلی رفت و مسلمانان صف بستند و ایشان چهار تکبیر گفت (نماز جنازه خواند).

قول دوم:

امام ابو حنیفه و امام مالک می گویند نماز جنازه بر غائب به صورت مطلق جایز نیست و آنها استدلال می آورند که نماز جنازه پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بر نجاشی خواند ، تنها خاص او بوده است، ولی برای دیگران در هیچ صورت صحیح و درست نیست.

از جانب دیگر در (امداد الاحکام در صفحه ۷۳۵ جلد اول با تمام صراحت و وضاحت بیان گردیده است) که : «در فقه حنفی برای صحت نماز جنازه شرط آنست که مرده باید روبه رو موجود باشد بدون حضور جنازه میت نماز جنازه برآن صحیح نیست » در فقه حنفی گفته شده است که به صورت مطلق برای خواندن نماز جنازه غائبانه گنجایشی موجود نمی باشد ، بناءً حنفی مذهبیان از اشتراک در نماز جنازه غائبانه جداً احتراز نمایند. (تفصل موضوع مراجعه شود به صفحه ۲۲۷ رساله احکام میت از شیخ الاسلام مولانامفتی رفیع عثمانی مترجم مولانا نصر اللہ فیضانی)

قول سوم:

قول سوم شامل علمای چون شیخ الاسلام ابن تیمیه و شیخ ابن عثیمین و شیخ ناصر الدین البانی و غیره علماء می گردد. شیخ الاسلام ابن تیمیه می گوید:

اگر مسلمانی، در شهری فوت کرد و کسی بر او نماز جنازه نخواند، غائبانه بر او نماز جنازه خوانده شود، همانطور که رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم بر نجاشی که در میان کفار فوت کرد و کسی بر او نماز نخواند، غائبانه نماز خواند.

اما اگر شخصی در جائی فوت کرده، و افرادی بر او نماز جنازه خوانند، بر چنین شخصی، غائبانه نماز جنازه خوانده نشود. زیرا با نماز خواندن تعدادی از مسلمانان فرض از بقیه، ساقط می گردد. و از رسول خدا صلی الله علیه وسلم خواندن نماز جنازه و ترک آن هر دو به ثبوت رسیده است. لذا هر یک از آنها در جای خود قابل عمل می باشد.

شیخ ناصرالدین البانی در «کتاب الجنائز» می نویسد:

«و همین قول (سوم) را بعضی از محققین شوافع پذیرفته اند. چنانکه خطابی در «معالم السنن» می گوید:

نجاشی مرد مسلمانی بود که به رسول خدا صلی الله علیه وسلم ایمان آورده و نبوت او را پذیرفته بود، البته ایمانش را کتمان می کرد. و هر گاه، مسلمانی بمیرد، بر سایر مسلمانان واجب است که بر وی نماز جنازه بخوانند. اما او در میان کفار فوت کرد و در آنجا مسلمانی وجود نداشت تا حق او را اداء نماید و بر او نماز جنازه بخواند. لذا لازم بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر او نماز بخواند. زیرا او پیامبر خدا و ولی نجاشی به شمار می رفت و از همه مردم به نجاشی نزدیک تر بود. به همین خاطر، رسول الله صلی الله علیه وسلم بر او نماز جنازه غائبانه خواند. و الله اعلم.

بنابراین، اگر مسلمانی در یکی از شهرها فوت کرد و بر او نماز جنازه خوانده شده بود نیازی نیست که مسلمانان در شهری دیگر، بر او نماز جنازه غائبانه بخوانند و اگر معلوم شود که به خاطر عذر یا هر مانعی، نماز جنازه بر او خوانده نشده است، سنت است که نماز غائبانه بر او خوانده شود و نماز، به دلیل دوری مسافت و فاصله زیاد میان میت و نمازگزاران ترک داده نشود.

در ترتیب نماز جنازه آمده است :

در نماز جنازه غائبانه نمازگزاران رو به قبله می ایستند، نه در جهت شهری که میت در آنجا است.

برخی از علماء خواندن نماز جنازه غائبانه را مکروه می دانند و بر این باورند که این عمل مخصوص رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده است. دلیلشان هم این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حق نجاشی در حکم حاضرین بوده، چون در بعضی اخبار آمده است که تمام کوههای بین مدینه و حبشه هموار گشت تا آنجا که پیامبر صلی الله علیه وسلم نجاشی را می دید.

البته این تأویل، تأویل فاسدی است، تبعیت و پیروی از آن چه که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از اعمال شریعت انجام داده است بر ما لازم است و تخصیص یک عمل به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نیاز به دلیل دارد. رفتن رسول خدا صلی الله علیه وسلم به مصلی و صحابه پشت سر ایشان، نشان دهنده بطلان این تأویل است. و الله اعلم

از جمله دلایلی که دال بر عدم مشروعیت نماز جنازه برای هر میت غائب می باشد این است که وقتی خلفای راشدین و سایر اصحاب و یاران بزرگ رسول الله صلی الله علیه وسلم فوت کردند، هیچیک از مسلمانان بر آنان نماز جنازه غائب نخواندند. در حالی که اگر چنین می کردند، این مساله بصورت تواتر نقل می شد و بر کسی پنهان نمی ماند. اکنون، مطالبی که بیان شد با عملکرد بسیاری از مسلمانان معاصر که برای هر میت غائب نماز جنازه می خوانند مقایسه باید کرد.

در عصر امروزی ما و به خصوص در کشور ما دیده می شود که با استفاده از نفوذ دولتی و سیاسی نماز جنازه را در سراسر کشور بر پا می دارند، که از جمله بدعت ها بوده و ترک آن واجب می باشد. که هیچ عالمی و فقیهی که به سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم و شیوه سلف آگاهی داشته باشد در بدعت بودن آن تردیدی نخواهد داشت». (تفصیل موضوع «کتاب الجنائز» شیخ البانی)

چگونگی جنازه غائبانه بر نجاشی:

در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَى النَّجَاشِيَّ فِي الْيَوْمِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ حَرَجَ إِلَى الْمُصَلَّى فَصَفَّ بِهِمْ وَكَبَّرَ أَرْبَعًا». بخاری و مسلم.

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر مرگ نجاشی (پادشاه حبشه) را که در سرزمین حبشه فوت کرده بود، اعلام نمود و به مصلی رفت و مسلمانان صف بستند و آنحضرت چهار تکبیر گفت.

همچنین از ابوهریره و دیگران روایت است، که وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر مرگ نجاشی را اعلام کرد، فرمود: «استغفروا لأخیکم» برای برادران طلب آمرزش کنید.

علامه البانی در «کتاب الجنایز» می نویسد:

«از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر مرگ نجاشی را در مدینه منوره برای مردم اعلام کرد و فرمود:

ای مردم! امروز یکی از برادران شما و در روایتی فرمود: بنده صالحی از بندگان خداوند، در سرزمینی دیگر فوت کرده است. برخیزید و بر او نماز بخوانید. پرسیدند: او کیست؟ فرمود: نجاشی. و فرمود: برای برادران طلب استغفار کنید.

آنگاه، رسول الله صلی الله علیه وسلم مردم را به مصلا و در روایتی: به بقیع برد و به امامت ایستاد و مردم پشت سر ایشان صف بستند، همانطور که برای نماز جنازه صف بسته می شود و همانگونه که نماز جنازه خوانده می شود، بر او نماز خواندند. به طوری که گویا جنازه، در پیشروی آنحضرت صلی الله علیه وسلم گذاشته شده است. ما اقتداء کردیم و رسول خدا با گفتن چهار تکبیر بر او نماز جنازه خواند. (بخاری، مسلم، ابو داود، نسائی، ابن ماجه، بیهقی، طیالسی و احمد)

این حدیث، بیانگر این مطلب است که نجاشی مسلمان شده بود. چنان که ایشان از ابوموسی اشعری رضی الله عنه درباره خصوصیات پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم پرسید و بعد از آن گفت: من گواهی می دهم که او پیامبر خدا می باشد و همان کسی است که عیسی بن مریم به آمدن او مژده داده است و اگر فرصت می یافتم به عنوان خدمتگزار کشفایش را بر می داشتم. (ابوداود و بیهقی با سند صحیح).

و باز علامه البانی رحمه الله به نقل از کتاب زادالمعاد (۲۰۵/۱ و ۲۰۶) ابن قیم آورده است: «خطابی در «معالم السنن» می گوید:

نجاشی مرد مسلمانی بود که به رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان آورده و نبوت او را پذیرفته بود، البته ایمانش را کتمان می کرد. و هر گاه، مسلمانی بمیرد، بر سایر مسلمانان واجب است که بر وی نماز جنازه بخوانند. اما او در میان کفار فوت کرد و در آنجا مسلمانی وجود نداشت تا حق او را اداء نماید و بر او نماز جنازه بخواند. لذا لازم بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر او نماز بخواند. زیرا او پیامبر خدا و ولی نجاشی به شمار می رفت و از همه مردم به نجاشی نزدیک تر بود. به همین خاطر، رسول الله صلی الله علیه وسلم بر او نماز جنازه غائبانه خواند.

از خواندن نماز جنازه غائبانه پیامبر صلی الله علیه وسلم بر پادشاه حبشه (نجاشی) می توان این حکم استنباد نمود که: اگر مسلمانی در یکی از شهرها فوت کرد و بر او نماز جنازه خوانده شده بود ضرورتی دیده نمی شود که مسلمانان در شهری دیگر، بر او نماز جنازه غائبانه بخوانند و اگر معلوم شود که به خاطر عذر یا هر مانعی، نماز جنازه بر او خوانده نشده است، سنت است که نماز غائبانه بر او خوانده شود و نماز، به دلیل دوری مسافت و فاصله زیاد میان میت و نمازگزاران ترک داده نشود.

یادداشت ضروری:

نجاشی پادشاه حبشه اسلام آورد و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را تصدیق نمود. گرچه ایمانش را از قومش پنهان کرد؛ چون می‌دانست که قومش بر باطل پافشاری می‌کنند و بر گمراهی علاقه مندند و می‌دانست که آنها بر عقاید باطل هر چند با عقل و نقل مخالف باشد، تعصب می‌ورزند. او در سال نهم و یا سال هشتم هجرت و قبل از فتح مکه درگذشت. (اسدالغابه، ج ۱، صفحه ۹۹ الاصابه، ج ۱، ص ۱۰۹).

نماز جنازه بعد از دفن میت:

اگر کسی نتوانست در نماز جنازه اشتراک نماید، در شرع اسلامی برایش اجازه است که بعد از دفن هم بر میت نماز جنازه رابخواند، و این مدت حدوداً تا يك ماه می‌تواند باشد، زیرا رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - این عمل را انجام داده اند.

(امام بخاری و امام مسلم - رحمهما الله - آورده‌اند که: مردی درگذشت (و او را دفن کردند) رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «فدلونی علی قبره، فأتی قبره فصلى علیه».

(قبر او را به من نشان دهید، سپس به نزد قبر رفت و بر آن مرد نماز خواند) و بیشتر از يك ماه دیگر جایز نمی‌باشد بدین علت که در حدیث یا اثری نیامده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بعد از يك ماه از دفن میت بر وی نماز جنازه خوانده باشد.

بحثی درمورد خواندن سورة فاتحه

در نماز جنازه

ترتیب نماز جنازه با سورة فاتحه:

با تکبیر اول، سورة فاتحه خوانده می‌شود، اگر به همراه آن سورة کوتاهی با يك یا دو آیت از قرآن خوانده شود بهتر است. این نحوه قرائت در حدیثی از ابن عباس آمده است.

با تکبیر دوم، بر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - درود و صلوات فرستاده می‌شود مشابه همان درودی که نماز خوانده می‌شود. (طلحه بن عبدالله بن عوف روایت می‌کند که: «صليت خلف ابن عباس -رضی الله عنهما- علی جنازة فقراً بفاتحة الكتاب وسورة وجهر حتى أسمعنا، فلما فرغ أخذت بيده فسألته فقال: إنما جهرت لتعلموا أنها سنة وحق».

(البخاری، أبوداود والنسائی).

(پشت سر عبدالله بن عباس -رضی الله عنهما- بر جنازه‌ای نماز خواندم، او سورة فاتحه را با سوره‌ای دیگر با صدای بلند خواند، تا آنها را به ما بشنوند، بعد از اتمام نماز، دستش را گرفتم و پرسیدم، گفت: عمداً با صدای بلند خواندم که بدانید خواندن فاتحه و سوره سنت و حق می‌باشد)

با تکبیر سوم، این دعا خوانده می‌شود.

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَغَائِبِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأَنْتَانَا. اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ، وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مَدْخَلَهُ، وَاعْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالتَّلَجِّ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ النَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَاراً خَيْراً مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلاً خَيْراً مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجاً خَيْراً مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ، وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ، وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ، اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْنَا أَجْرَهُ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ...».

(مسلم، الترمذی والنسائی وابن ماجه).

(خداوندا!، زندگان ما را، و مردگانمان را، و حاضران، و غایبان ما را، و کودکانمان (کوچک هایمان و بزرگانمان)، و مردان و زنان ما را، مغفرت کن و ببخشای، خداوندا! هر کس از ما را که زنده می‌گردانی بر آیین اسلام زنده گردان، و

هر کس را که از ما می‌میرانی بر ایمان بمیران، خداوندا! بر (این میت) رحم کن و او را ببخشای، و عافیت را نصیبش کن، و از وی در گذر و معافش کن، جایگاهش را گرامی دار، و قبرش را گسترده بگردان، او را با آب، برف و یخ غسل بده و از اشتباهات پاکش گردان، همانگونه که پارچه‌ای سفید از چرک و آلودگی پاک می‌شود، به او منزلی بهتر از خانه دنیایش بده، و خانواده‌ای بهتر از خانواده‌اش عطا کن، او را وارد جنت کن، و او را از عذاب قبر و عذاب جهنم در پناه خویش نگه دار.

پروردگارا!

ما را از پاداش او محروم مگردان، و (همچنین) ما را بعد از او گمراه و منحرف مکن.» مستحب است هنگام هر تکبیر دستها بلند گردد.

(ابن قدامه — رحمه الله- می گوید: «أجمع أهل العلم على أنَّ المصلي على الجنائز يرفع يديه في أول تكبيرة يكبرها، وكان ابن عمر رضي الله عنهما يرفع يديه في كل تكبيرة»). (البیهقی، ابن أبی شیبہ، المغنی لابن قدامه ۴۱۷/۳ و دیگران).

(اجماع علماء بر این است که نمازگزار بر جنازه به هنگام تکبیر اول رفع یدین کند (دستهایش را بلند کند)، ابن عمر — رضی الله عنهما- با هر تکبیر دستهایش را بلند می‌کرد. (رفع یدین می‌کرد.)

در مذهب شافعی و احمد بن حنبل، با هر تکبیر دستها بلند می‌شود، اما در مذهب امام ابو حنیفه و امام مالک دستها را بلند نمی‌کنند، یعنی تنها در همان تکبیر اول دستها را بلند می‌کنند.)

همچنان قابل یاد آوری است که اگر مرده (میت) زن بود دعا را در عربی به صیغه مونث می‌خوانیم، اگر تعداد مرده‌ها (میتها) چند نفر بودند، دعای عربی را به صیغه جمع می‌خوانیم.

چنانچه مرده (میت) کودک یا نوزاد بود [۱۹]، دعای مغفرت خوانده نمی‌شود و به جای آن، دعای زیر خوانده می‌شود. «اللهم اجعله فرطاً لوالديه، وذخراً شافعياً مجاباً، اللهم ثقل به موازينهما، وأعظم به أجورهما، اللهم اجعله في كفالة إبراهيم —عليه السلام-، وألحقه بصالح سلف المؤمنين وقه برحمتك من عذاب الجحيم». (المغنی لابن قدامه ۴۱۶/۳).

(پروردگارا! او را پاداش، گنجینه‌ای، شفاعت کننده‌ای، و پاسخ دهنده‌ای برای پدر و مادرش قرار بده، خداوندا! توسط این کودک ترازوی اعمالشان را سنگین بگردان، و بدین خاطر پاداش شان را زیاد کن، خداوندا! این کودک در کفالت و حضانت ابراهیم —علیه السلام- قرار بده، و وی را به مؤمنان صالح پیشین (سلف صالح) ملحق بگردان و با رحمت خودت او را از عذاب دوزخ حفظ بگردان.»

سنت آن است که امام در مقابل سر جنازه اگر مرد باشد بایستد، و اگر زن بود در مقابل وسط پیکر جنازه بایستد.

(عن أبي غالب الجناط قال: «شهدت أنس بن مالك صلى على جنازة رجل عند رأسه - وفي رواية: رأس السرير - فلما رفع أتى بجنازة امرأة من قریش - أو من الأنصار - فقيل له: يا أبا حمزة هذه جنازة ابنة فلان فصل عليها، فصلی عليها فقام وسطها - وفي رواية -: عند عجيزتها وعليها نعش أخضر وفيما العلاء بن زياد العدوی فلما رأى اختلاف قیامه على الرجل والمرأة قال: يا أبا حمزة هكذا كان رسول الله صلى الله عليه وسلم- يقوم حيث قمت؟ ومن المرأة حيث قمت؟ قال: نعم، قال: فالتفت إلينا العلاء فقال: احفظوا»). (أحمد، أبوداود، الترمذی، ابن ماجه و دیگران).

(از ابی غالب الجناط روایت است که گفت: شاهد بودم که انس بن مالک - رضی الله عنه- در برابر سر جنازه‌ای نماز خواند، - در روایت دیگری آمده است - در مقابل سر تابوت ایستاد و زمانی که جنازه را بردند، جنازه زنی قریشی یا انصاری آورده شد: در این هنگام به انس گفته شد: ای ابوحمزه! این جنازه دختر فلانی است، بر او نیز نماز بخوان، در نتیجه او در وسط جنازه ایستاد، و بر او نماز خواند. در روایت دیگری آمده است که در انتهای تابوت ایستاد، در حالی که بر آن جنازه کفنی سبز رنگ بود، و در میان ما علاء بن زیاد عدوی (یکی از ثقات و معتمدین تابعین) نیز وجود داشت و هنگامی که او شاهد این اختلاف در قیام میان زن و مرد بود پرسید: ای ابوحمزه! آیا رسول الله - صلی الله علیه

وسلم- همین گونه که تو ایستادی و نماز خواندی بر جنازه نماز می‌خواند؟ و شبیه آنچه که بر زن نماز خواندی نماز می‌خواند؟! انس گفت: بله، در این هنگام علاء بن زیاد رو به ما کرد و گفت: این روش را در خواندن نماز جنازه حفظ کنید».

در حدیثی دیگر از سمره بن جندب -رضی الله عنه- آمده است که: «صَلَّيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- وَصَلَّى عَلَى أُمِّ كَعْبٍ مَاتَتْ وَهِيَ نَفْسَاءُ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- لِلصَّلَاةِ عَلَيْهَا وَسَطَهَا». (البخاری ومسلم).

(در پشت سر پیامبر صلی الله علیه وسلم بر ام کعب که در حالت نفاس مرده بود نماز خواندیم، بدینصورت که ایشان - صلی الله علیه وسلم- در وسط جنازه برای نماز ایستادند.)

و اگر چند جنازه از مرد و زن باشد. جنازه مرد را مقابل امام قرار می‌دهند، و جنازه زن را در جهت قبله و پشت جنازه مرد قرار می‌دهند، یعنی بعد از جنازه مرد گذاشته می‌شود و اگر جنازه کودک بود، پشت جنازه پسر بچه بعد از جنازه مرد، سپس جنازه زن قرار داده می‌شود و بعد از آن جنازه دختر اطفال در جهت قبله بعد جنازه زن، پشت سر هم گذاشته می‌شود.

بدینصورت جنازه‌ها قرار داده می‌شود که سر هر جنازه مقابل جنازه قبلی قرار می‌گیرد. سر پسر بچه مقابل سر مرد، و میانه سر زن مقابل سر مرد، و سر دختر اطفال مقابل سر زن قرار می‌گیرد.

نمازگزاران همگی پشت سر امام می‌ایستند و چنانچه يك نفر از نمازگزاران جایی در پشت سر امام نیافت، می‌تواند در دست راست امام بایستد.

ادامه دارد